

عزت و افتخار حسینی

<?xml encoding="UTF-8?">

... کسی مثل حسین بن علی علیه السلام - که خودش تجسم ارزش هاست - قیام می کند برای این که جلو انحطاط را بگیرد؛ چون این انحطاط، داشت می رفت تا به آن جا برسد که هیچ چیز باقی نماند... یک تنه در مقابل این سرعت سرانشیب سقوط قرار می گیرد. البته در این زمینه جان خودش، جان عزیزانش و... را فدا می کند اما نتیجه می گیرد. «وَأَنَا مِنْ حُسَيْن» یعنی این پیامبر زنده شده حسین بن علی علیه السلام است. آن روی قضیه این بود، این روی سکه، حادثه عظیم و حماسه پرشور و ماجرای عاشقانه عاشوراست که واقعا جز با منطق عشق و با چشم عاشقانه نمی شود قضایای کربلا را فهمید.

سیدالشهدا

...سیدالشهدا یعنی سالار شهیدان، این لقب اوّل به جناب حمزه اطلاق شد. بعد از حادثه عاشورا و شهادت امام حسین علیه السلام که همه شهادت ها را تحت الشعاع قرار داد، این لقب به ایشان انتقال یافت. البته به جناب حمزه هم سیدالشهدا گفته و می گوییم. ولی سیدالشهدای مطلق امام حسین است؛ یعنی جناب حمزه سیدالشهدای زمان خودش است و امام حسین علیه السلام سیدالشهدای همه زمان هاست، آن چنان که مریم عذرا «سیده النساء»ی زمان خودش است و صدیقه کبری «سیده النساء»ی همه زمان ها. قبل از شهادت امام حسین علیه السلام آن شهیدی که سمبل گریه بر شهید بود و گریه بر او مظهر شرکت در حماسه شهید و هماهنگی با روح شهید و موافقت و نشاط شهید به شمار می رفت، جناب حمزه بود و بعد از شهادت امام حسین علیه السلام این مقام نیز به ایشان انتقال یافت...

علّت ماندگاری امام حسین علیه السلام

امام حسین علیه السلام به واسطه شخصیت عالی قدرش [و] به واسطه شهادت قهرمانانه اش مالک قلب ها و احساسات صدها میلیون انسان است.... راز بقای امام حسین علیه السلام این است که نهضتش از طرفی منطقی است [و] بعد عقلی دارد و از ناحیه منطق حمایت می شود، و از طرف دیگر در عمق احساسات و عواطف راه یافته است. ائمه اطهار که بر گریه بر امام حسین علیه السلام سخت توصیه کرده اند حکیمانه ترین دستورها را داده اند. این گریه ها است که نهضت امام حسین را در اعماق جان مردم فرو می کند.

راز محبوبیت امام حسین علیه السلام

وقتی انسان حسین را با این صفات و خصائل می شناسد می بیند حق است [و] سزاوار است که نام او تا ابد زنده بماند؛ چون حسین مال خود نبود. خودش را فدای انسان کرد، فدای اجتماع انسانی کرد، فدای مقدسات بشر کرد، فدای توحید کرد، فدای عدالت کرد، فدای انسانیت کرد. از این جهت افراد بشر همه او را دوست می دارند. وقتی

انسان دیگری را می بیند که در او هیچ چیزی از خود فردی وجود ندارد و هر چه هست شرافت و انسانیت است او را با خودش متحد و یکی می بیند.

حسین علیه السلام ، سرود انسانیت

... حسین یک شخصیت حماسی است، اما نه آن طور که جلال الدین خوارزمشاه یک شخصیت حماسی است و نه آن طور که رستم افسانه ای یک شخصیت حماسی است. حسین یک شخصیت حماسی است اما حماسه انسانیت، [و] حماسه بشریت، نه حماسه قومیت. سخن حسین، عمل حسین، حادثه حسین، روح حسین، [و] همه چیز حسین... درس است... اما چه جور درسی؟ آیا از آن جهت که مثلاً به یک قوم به خصوصی منتسب است؟ یا از آن جهت که شرقی است؟ یا از آن جهت که مثلاً عرب است؟... اساساً در وجود حسین علیه السلام یک چنین حماسه هایی نمی تواند وجود داشته باشد و علت شناخته نشدن حسین هم همین است؛ چون حماسه او بالاتر و مافوق این گونه حماسه هاست... حسین سرود انسانیت است.

شعارهای امام حسین علیه السلام

... از چیزهایی که ما در عاشورا زیاد می بینیم، مسئله شعار است. در این شعارها - مخصوصاً شعارهای خود اباعبدالله علیه السلام - گذشته از این که افراد خودشان را با یک رجز یا یک رباعی معرفی می کردند، گاهی جمله هایی می گفتند که طی آنها نهضت خودشان را معرفی می نمودند. اباعبدالله علیه السلام در روز عاشورا شعارهای زیادی داده است که در آنها روح نهضت خودش را مشخص کرده که من برای چه می جنگم [و] چرا تسلیم نمی شوم؟ متأسفانه این شعارها در میان ما فراموش شده و ما شعارهای دیگری به جای آنها گذاشته ایم که این شعارها نمی تواند روح نهضت اباعبدالله را منعکس کند. یکی از اشعاری که اباعبدالله علیه السلام در روز عاشورا می خواند و آن را شعار خودش قرار داده بود این شعر بود: نزد من مرگ از ننگ ذلت و پستی بهتر و عزیزتر و محبوب تر است. اسم این شعار را باید گذاشت شعار آزادی، شعار عزت، شعار شرافت...

زننده سازی اسلام

حسین بن علی درس غیرت به مردم داد؛ درس تحمل و بردباری به مردم داد؛ درس تحمل شدائد و سختی ها به مردم داد. اینها برای ملت مسلمان درس های بسیار بزرگی بود. پس این که می گویند: حسین بن علی چه کرد و چطور شد که دین اسلام زنده شد، جوابش همین است که حسین بن علی روح تازه دمید؛ خون ها را به جوش آورد؛ غیرت ها را تحریک کرد؛... درس صبر و تحمل و بردباری و مقاومت و ایستادگی در مقابل شدائد به مردم داد؛ ترس را ریخت. همان مردمی که تا آن مقدار می ترسیدند، تبدیل به یک عده مردم شجاع و دلاور شدند... امروز هم حسین بن علی یک سوژه بزرگ است، سوژه ای برای امر به معروف و نهی از منکر، برای اقامه نماز، برای زنده کردن اسلام برای این که احساسات و عواطف عالیله اسلامی در وجود ما احیا بشود.

عاشورا، اسلام مجسم

امام حسین علیه السلام کلیات را عملاً در کربلا به مرحله عمل آورده، مجسم کرده است؛ ولی تجسم زنده و جان

دار حقیقی و واقعی، نه تجسّم بی روح. وقتی بخواهیم به جامعیت اسلام نظر بیفکنیم باید نگاهی هم به نهضت حسینی بکنیم. انسان وقتی در حادثه کربلا تامل می کند، اموری را می بیند که دچار حیرت می شود و می گوید اینها نمی تواند تصادفی باشد و سرّ این که ائمه اطهار، این همه به زنده نگه داشتن و احیای این خاطره توصیه و تاکید کرده و نگذاشته اند حادثه کربلا فراموش شود این است که این حادثه یک اسلام مجسّم است. نگذارید این اسلام مجسّم فراموش شود.

شفاعت امام حسین علیه السلام

علت این که در روایات داریم که امام حسین علیه السلام از خلق کثیری شفاعت می کند این است که در این جهان، مکتب امام حسین علیه السلام بیش از هر مکتبی موجب احیای دین و هدایت مردم شده است. ...شفاعت امام حسین علیه السلام به این صورت نیست که برخلاف رضای خدا و اراده او چیزی را از خدا بخواهد... یک نوع [شفاعت] همین هدایت هایی است که در این جهان ایجاد کرده است و در جهان دیگر مجسم می شود. امام حسین علیه السلام شفیع کسانی است که از مکتب او هدایت یافته اند. او شفیع کسانی نیست که مکتبش را وسیله گم راهی ساخته اند. از این نکته نباید غفلت ورزید که همان طوری که از قرآن کریم گروهی هدایت یافته اند و گروهی گم راه شده اند، از مکتب امام حسین علیه السلام نیز گروهی هدایت شده و گروهی گم راه گشته اند... قرآن و مکتب حسینی ریسمان هایی هستند که قدرت دارند بشر را از چاه نگون بختی به اوج سعادت بالا برند. ولی اگر کسی از این دو حبل الهی سوءاستفاده نمود جرم از ریسمان نیست...

فلسفه عزاداری برای امام حسین علیه السلام

... این عزاداری - که به حقّ درباره اش گفته شده که حتی تباهی یعنی خود را به گریه گن شبیه ساختن آن هم ارزشمند است - در اصل فلسفه اش تهییج احساسات علیه یزیدها و ابن زیادها و به سود حسین ها و حسینی ها بوده. در شرایطی که حسین به صورت یک مکتب در یک زمان حضور دارد و سمبل راه و روش اجتماعی معین و نفی کننده راه و روش موجود معین دیگری است، یک قطره اشک برایش ریختن واقعا نوعی سربازی است. در شرایط خشن یزیدی، در حزب حسینی ها شرکت کردن و تظاهر به گریه کردن بر شهدا نوعی اعلام وابسته بودن به گروه اهل حقّ و اعلان جنگ با گروه اهل باطل و در حقیقت نوعی از خود گذشتگی است. این جاست که عزاداری حسین بن علی علیه السلام یک حرکت است؛ یک موج است؛ یک مبارزه اجتماعی است...

نتایج نهضت امام حسین علیه السلام

امام حسین علیه السلام اسلام را تجدید حیات نموده، درخت اسلام را با ریختن خون خود آبیاری نمود؛ چنانچه در زیارت عاشورا می خوانیم: شهادت می دهم که تو اقامه نماز کردی و زکات دادی و امر به معروف و نهی از منکر کردی و در راه خدا جهاد نمودی و حقّ جهاد را به جای آوردی... شهادت امام حسین علیه السلام تنها خلاصه به یک جریان حزن آور و مصیبت بار و ریختن خون به ناحق و... نمی شود. شهادت ایشان روشنایی و صفا برای اجتماع آورد و حیات تازه ای در عالم اسلام دمید. پس از شهادت امام حسین علیه السلام رونقی در اسلام پیدا می شود. قیام امام حسین علیه السلام احساسات بردگی و اسارت و ترس را زایل نمود و به اجتماع اسلامی شخصیت داد.

آنها [يعني ائمه] که توصیه کردند که عزای حسين بن علی عليه السلام باید زنده بماند، برای این بوده که هدف حسين بن علی مقدّس بود. حسين بن علی یک مکتب به وجود آورد. می خواستند مکتبش زنده بماند. زنده کردن نام و نهضت او برای این است که پرتوی از روح حسين بن علی بر روح ما و شما بتابد. اگر اشکی که ما برای او می ریزیم در مسیر هماهنگی روح ما باشد پرواز کوچکی است که روح ما با روح حسين می کند. اگر ذره ای از همّت او ذره ای از غیرت او، ذره ای از حرّیت او، ذره ای از ایمان او، ذره ای از تقوای او، ذره ای از توحید او در ما بتابد و چنین اشکی از چشم ما جاری شود، آن اشک بی نهایت قیمت دارد...

امام حسين عليه السلام و امر به معروف

همان طور که تاثیر امر به معروف و نهی از منکر، این نهضت را در عالی ترین سطح ها قرار داد، این نهضت مقدّس نیز این اصل اسلامی را در عالی ترین سطح ها قرار داد... این که می گویم حسين بن علی ارزش امر به معروف و نهی از منکر را بالا برد مقصودم این است که در جهان اسلام بالا برد نه در اسلام... اباعبدالله عليه السلام در عاشورا ثابت کرد که به خاطر امر به معروف و نهی از منکر... می توان جان داد، عزیزان داد، مال و ثروت داد. چه کسی توانسته است در دنیا به اندازه حسين بن علی عليه السلام به اصل امر به معروف و نهی از منکر ارزش بدهد؟ معنی نهضت حسینی این است که امر به معروف و... آن قدر بالاست که تا این حد می توان در راه آن فداکاری کرد...

جنگ عقیده

... اختلاف و نزاع او [امام حسين عليه السلام] با خلیفه وقت بر سر این نبود که تو نباشی و من باشم [یا] آن کاری که تو می کنی نکن بگذار من بکنم، [بلکه] اختلافی بود اصولی و اساسی. اگر کس دیگری هم به جای یزید بود و همان روش و کارها را می داشت باز امام حسين عليه السلام قیام می کرد، خواه این که با شخص امام حسين خوش رفتاری می کرد یا بدرفتاری... جنگ حسين عليه السلام جنگ مسلکی و عقیده ای بود. پای عقیده در کار بود. جنگ حق و باطل بود. در جنگ حقّ و باطل دیگر حسين از آن جهت که شخص معینی است تاثیر ندارد. خود امام حسين با دو کلمه مطلب را تمام کرد در یکی از خطبه های بین راه به اصحاب خودش می فرماید: آیا نمی بینید که به حقّ رفتار نمی شود و از باطل جلوگیری نمی شود؟ پس مؤمن در یک چنین اوضاعی باید تن به شهادت در راه خدا بدهد. نفرمود وظیفه امام یا شخص حسين این است. فرمود: وظیفه یک مسلمان از آن جهت که مسلمان است در چنین اوضاعی این است که قیام کند و آماده شهادت گردد.

منطق امام حسين عليه السلام

هر کس و هر گروه منطقی دارد؛ یعنی طرز تفکری دارد. هرکس پیش خود معیارها و مقیاس هایی دارد و با آن معیار و مقیاس ها درباره کارها و باید و نبایدها قضاوت می کند. شهید منطق ویژه ای دارد. منطق شهید را با منطق افراد معمولی نمی شود سنجید. شهید را نمی شود در منطق افراد معمولی گنجانند. منطق او بالاتر است. منطقی است آمیخته با منطق عشق از یک طرف و منطق اصلاح و مصلح از طرف دیگر... به تعبیر دیگر اگر شور

یک عارف عاشق پروردگار را با منطق یک نفر مصلح را با همدیگر ترکیب نکنید از آنها منطق شهید در می آید. لهذا می بینیم وقتی که اباعبدالله علیه السلام می خواهد به طرف کوفه بیاید عقلای قوم ایشان را منع می کنند... با منطق آنها که منطق یک انسان عادی معمولی است که بر محور مصالح و منافع خودش فکر می کند و منطق منفعت و منطق سیاست است، آمدن اباعبدالله منطقی نبود. امام حسین یک منطق بالاتری دارد، منطق او منطق شهید است منطق شهید منطق مافوق منطق افراد عادی است.